گزارش یک

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه مطرح کرد

ارتباط اغتشاشات ایران با سند امنیت ملی امریکا

روند امریکایی‌ها نزولی و روند انقلاب اسلامی صعودی است و به همین دلیل امریکا برای جلوگیری از روند صعودی انقلاب اسلامی مجبور به عملیات پدافندی و ایجاد اغتشاشات شده که این فرضیه با استفاده از اسناد امریکایی قابل اثبات است.

به گزارش مرکز خبر حوزه، نشست تبیینی بصیرتی استادان بسیجی حوزه علمیه قم روز گذشته با سخنرانی حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین طائب، مشاور فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سالن همایش‌های مرکز فقهی ائمه اطهار قم برگزار شد.

طائب در این نشست با گرامیداشت ایام فاطمیه موضوع بحث خود را چرایی و چگونگی و چه باید کرد در زمینه فتنه اخیر دانست و گفت: دو برآورد نسبت به فتنه اخیر وجود دارد؛ نخستین برآورد امریکایی‌ها این است که با توجه به فشارهای متحمله بر انقلاب اسلامی، یک اغتشاش داخلی می‌تواند ضربه نهایی به انقلاب اسلامی باشد که این حرکت امریکایی‌ها آفندی است.

وی ادامه داد: برآورد دوم این است که روند امریکایی‌ها نزولی و روند انقلاب اسلامی صعودی است و به همین دلیل امریکا برای جلوگیری از روند صعودی انقلاب اسلامی مجبور به عملیات پدافندی و ایجاد اغتشاشات شد که این فرضیه با استفاده از اسناد امریکایی قابل اثبات است.

طائب افزایش قدرت انقلاب اسلامی، مطرح شدن ایران به عنوان بازیگر در نظم نوین جهانی و انسجام حاکمیتی را سه عنصر برای صعودی بودن روند انقلاب اسلامی دانست و افزود: پس از فروپاشی شوروی، امریکایی‌ها تلاش کردند جهان را به سمت تک‌مدیریتی به همراه پیشرفت بدون دخالت دین حرکت دهند، اما انقلاب اسلامی در تلاش است جهان را به سمت پیشرفت بر اساس مبانی دین خدا حرکت دهد که اکنون بیش از ۳۰سال است این تقابل وجود دارد.

■ دوگانه‌سازی

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه محاصره کردن اقتصادی و دوگانه‌سازی در درون حکومت را از شیوه‌های مبارزاتی امریکا دانست و گفت: این دوگانه‌سازی می‌تواند افرادی را برسر کار آورد که موجب تغییر رفتار در حرکت حکومت اسلامی شود، به گونه‌ای که انقلاب به اهدافش دست پیدا نکند.

مشاور فرمانده سپاه پاسداران اضافه کرد: به دلیل اینکه ایران دارای بحران آب است، امریکایی‌ها تلاش کردند ایران در مقابل فروش نفت، آب یا غذا وارد کند و از سوی کسی که باید دوگانگی را اجرا می‌کرد، گفته شد اگر آب، هوا و غذا می‌خواهید، باید دم کدخدا را ببینیم.

■ ۲برابر شدن واریز دولت به صندوق توسعه

طائب خاطرنشان کرد: در زمینه برق دو سال به خاموشی خوردیم که امروزه این مشکل مشاهده نمی‌شود یا اینکه در برخی موارد بنزین وارد می‌کردیم، در حالی که مصرف میانگین ما بیش از ۸۰میلیون لیتر بود، اما امروزه با اینکه مصرف میانگین ما بالای ۹۰میلیون لیتر و در زمان پیک ۱۱۶میلیون لیتر مصرف داریم اما به صادره‌کننده بنزین تبدیل شده‌ایم.

وی ادامه داد: در دولت قبل به دلیل اینکه بیان می‌کردند نتوانسته‌ایم نفت بفروشیم ۲۰درصد از سهم فروش نفت را به صندوق توسعه ملی واریز می‌کردند اما در این دولت به دلیل افزایش فروش نفت ۴۰درصد از سهم فروش نفت به صندوق توسعه ملی واریز می‌شود که چنین کاری برابر است با توسعه زیرساخت‌های کشور.

■ پرداخت موفق معوقات

طائب با طرح سؤالی مبنی بر دلیل وجود گرانی با این کارها صورت گرفته بیان کرد: هنگامی که دولت بر سر کار آمد، تمامی اقشار از جمله معلمان، پرستاران و کامیون‌داران برای دریافت مطالبات خود تحصن داشتند که همه این موارد برطرف و معوقات آنها پرداخت شد، در نتیجه قدرت خرید می‌آورد، همچنین این دولت باید هر ماه چندین هزار میلیارد تومان بدهی‌های دولت گذشته را واریز کند، البته زیرساخت‌های کشور نیز هنوز آماده نیست.

■ آخرین فرصت‌های امریکایی‌ها

وی با تصریح بر اینکه دهه پنجم انقلاب با دهه تعیین سرنوشت امریکایی‌ها مطابق شده است، اظهار کرد: امریکایی‌ها در آخرین سند امنیت ملی خود می‌گویند اکنون در دهه‌ای به سر می‌بریم که سرنوشت امریکا و جهان تعیین و پنجره فرصت‌ها به روی امریکا بسته خواهد شد، بنابراین امریکایی‌ها یا سه سال یا هشت سال فرصت دارند.

مشاور فرمانده کل سپاه ادامه داد: می‌گویند در این هشت سال باید چالش‌های درونی و بیرونی را از بین برد که چالش‌های درونی جنگ، آب، غذا، بیماری‌های فراگیر، تروریسم، مسئله تورم و گرانی‌های جهانی و مسئله انرژی است و برای چالش‌های بین‌المللی سه کشور چین، روسیه و ایران را معرفی می‌کنند که چین از جهت مسئله رهبری(ابرقدرتی جهان)، روسیه تهدید و ایران به عنوان معرفی حکمرانی جدید به دنیا چالش معرفی می‌شوند که باید با این سه کشور تا ۲۰۳۰ برخورد شود.

وی ادامه داد: در ادامه این برخوردها مسئله تایوان را برای چین و مسئله اوکراین را برای روسیه و ناامن کردن جبهه مقاومت را برای ایران مطرح کردند که اولویت نیز ایران است، به گونه‌ای که پس از تمام شدن کار ایران، اوکراین را مسلح کنند که به شهرهای روسیه حمله کند و بعد سراغ چین بروند.

■ تاریخچه جنگ ترکیبی

طائب در ادامه با اشاره به تاریخچه جنگ ترکیبی گفت: جنگ ترکیبی از سال ۲۰۱۵ در کنفرانس مونیخ وارد ادبیات شد. جنگ ترکیبی جنگی است دارای راهبرد دفاعی منظم و نامنظم، خبرسازی جعلی و دروغ و موارد دیگر که پایه‌اش جنگ نرم است و می‌گوید جنگ نرم جابه‌جایی عشق و نفرت نسبت به ارزش‌های خودی و بیگانه است، یعنی نفرت به ارزش‌های بیگانه باید تبدیل به عشق و عشق به ارزش‌های خودی باید تبدیل به نفرت شود.

وی افزود: برای این فرایند چند گام بیان می‌شود. گام اول شبهه‌افکنی و سؤال تاکتیکی عملیاتی در ابعاد مختلف بیان و جواب ناقص داده شود تا این شبهه تبدیل به تردید شود و تردید باید به بی‌تفاوتی در عوام و خواص تبدیل شود. در مرحله بعد تبدیل به گسست قومی، نسلی و مذهبی و پس از آن نفرت صورت گیرد که نفرت را باید داخلی کرد، به گونه‌ای که در دانشگاه عده‌ای این طرفی و عده‌ای آن طرفی شوند. همچنین در خانه و جامعه دو دسته ایجاد شود و پس از آن نافرمانی و مرحله آخر تقابل است که تقابل اول امنیتی و بعد اجتماعی و سیاسی شود که امریکا در این قسمت شکست خورد و نتوانست فتنه را اجتماعی کند.

مشاور فرمانده سپاه با بیان اینکه جنگ امنیتی با جنگ ترکیبی متفاوت است، اظهار کرد: در جنگ ترکیبی سه دسته نیروی دارای خشونت، مزدور و هیجانی مشاهده می‌شود که باید بتوان هر سه دسته را کنترل کرد و اگر دادگاه بموقع برگزار شود، موفق خواهد بود.

گزارش ۲

افشای کمپین اطلاعاتی پنهان امریکا علیه ایران

بنیاد امریکایی: آشوب‌های ایران نتیجه‌ای ندارد

بنیاد هریتیج در گزارشی انتقادی نسبت به رفتار دولت بایدن در قبال ایران، راهکارهایی را برای افزایش محاصره اقتصادی و کاهش قدرت ایران ارائه کرد.

به گزارش فارس، بنیاد هریتیج طی مقاله‌ای با اذعان به شکست دیپلماسی هسته‌ای دولت بایدن در برابر ایران، به عنوان پلن بی توصیه کرد بایدن برای تأمین منافع امریکا، حامی آشوب‌ها در ایران باشد و همزمان با پیشرفت‌های هسته‌ای و منطقه‌ای کشور مقابله کند. نویسندگان این مقاله جیمز فیلیپس و پیتر بروکس (کارمند سابق سیا) از پژوهشگران ارشد اندیشکده هریتیج هستند.

جیمز فیلیپس، کارشناس ارشد امور خاورمیانه در بنیاد هریتیج است. پیتر بروکس کارمند سابق سیا و کارشناس حوزه تسلیحات کشتار جمعی و ضداشاعه در بنیاد هریتیج است. بروکس به دفعات برای ارائه مشورت به کمیته‌های تخصصی کنگره امریکا دعوت شده و در وزارت خارجه دولت جرج بوش پسر مشغول کار بوده است.

در ادامه محورهای اصلی گزارش «زمان برای پلن بی فرا رسیده» ارائه شده است.

■ برجام را احیا نکنیم، ایران را مهار کنیم

فیلیپس و بروکس در گزارش بنیاد هریتیج با هدف حذف برجام تأکید دارند: احیای برجام، امنیت امریکا و متحدانش را از طریق غنی‌سازی، توانمندسازی ایران و نایبانش تضعیف می‌کند و امریکا با حذف فشار حداکثری دولت ترامپ، هزینه‌های ایران برای ادامه پیشرفت هسته‌ای را کاهش داده است. امریکا و شرکایش باید فشار را بر ایران تشدید و اعلام کنند برجام مرده است. سخت‌تر شدن سیاست‌های امریکا برای طولانی‌مدت به مهار تهدیدهای چندوجهی (هسته‌ای، منطقه‌ای، بین‌المللی و نیابتی) کمک می‌کند. امریکا نیاز به استراتژی واقعی‌تر و فعال‌تر برای بازدارندگی، مهار و شکست تهدیدهای ایران دارد.

■ آشوب‌ها در ایران رهبر ندارد

این دو نویسنده معتقدند: بعید است که شورش کنونی ایران به یک انقلاب موفق تبدیل شود. اتحاد نیروهای کلیدی امنیت داخلی و عدم‌وحدت سازمانی و رهبری ملی در میان معترضان از دلایلی است که آشوب فعلی منجر به انقلاب نمی‌شود. هر موج مخالفت مدنی می‌تواند یک لایه از مشروعیت حاکمیت ایران را سلب کند. با اینکه کارکنان صنعت نفت به اعتراضات نپیوستند، فوران فزاینده اعتراضات در آینده می‌تواند به پایگاه حامیان جمهوری اسلامی آسیب بزند. اگر دولت رئیسی از این دور از اعتراضات عبور کند، باز هم در آینده با دیگر اعتراضات روبه‌رو خواهد شد.

■ اهداف کمپین اطلاعاتی پنهان و آشکار علیه ایران

هریتیج در گزارش خود تأکید دارد: دولت امریکا برای حمایت از معترضان در ایران باید مانع دسترسی ایران به دارایی‌های خود و رفع تحریم‌های ایران شود. امریکا باید با ایجاد کمپین اطلاعاتی پنهان و آشکار، اولویت نادرست حاکمان و سیاست خارجی تهاجمی ایران را عامل تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی معترضان معرفی کند. معرفی سرمایه‌گذاری منطقه‌ای ایران به عنوان انحراف از حکومت‌داری از دیگر اهداف این کمپین باشد. اعطای مجوز برای صدور فناوری مناسب برای کمک به دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در ایران و کمک به افزایش هزینه‌های بلندمدت داخلی و تقویت خطرات سیاسی منجر به تغییر رژیم نخواهد شد اما احتمال وقوع آن را بالا خواهد برد.

■ اروپا مکانیسم ماشه علیه ایران را فعال کند

این گزارش علاوه بر متهم کردن ایران به نقض برجام، به نقل از مؤسسه «علم و امنیت بین‌الملل» یا «ISIS» مدعی است «زمان گریز هسته‌ای» ایران اکنون عملاً «صفر» است. گزارش تأکید دارد اگرچه ایالات متحده دیگر عضو برجام محسوب نمی‌شود، اما فرانسه، آلمان و بریتانیا همچنان در این توافق مشارکت دارند و می‌توانند تحریم‌های چندجانبه سازمان ملل علیه ایران بر اساس این توافق را مجدداً به صورت خودکار اعمال کنند. با استناد به گزینه مکانیسم ماشه، متحدان اروپایی، تهران را مجبور خواهند کرد بهای بیشتری را برای نقض تعهدات منع اشاعه طبق توافق پادمان هسته‌ای و همچنین برجام بپردازد.

■ ایجاد سیستم دفاع هوایی یکپارچه علیه ایران

نویسندگان بنیاد هریتیج معتقدند: همکاری امریکا با متحدان و شرکا برای ایجاد یک موازنه قدرت نظامی منطقه‌ای بسیار مطلوب، به ویژه در دفاع هوایی و موشکی از ضروریات است. ایران از مواضع خود عقب نمی‌نشیند، مگر تهدیدی نسبت به قدرت ایران صورت بگیرد و با ایران قاطعانه مقابله کند. اگر دولت بایدن می‌خواهد از منافع ملی امریکا در برابر تهدیدات ایران محافظت کند، باید به جای انگیزه دادن به اقدامات ایران، بیشتر روی بی‌انگیزه کردن تمرکز کند. تهران معنای قدرت را درک می‌کند. دولت باید پنتاگون را ملزم به تقویت امنیت متحدان و شرکای منطقه‌ای امریکا از جمله بحرین، اسرائیل، عربستان و امارات کند. فروش تسلیحات یکی از راه‌های دفاع در برابر موشک‌های بالستیک و کروز ایران است و سیستم دفاع یکپارچه هوایی، امنیت نیروهای امریکا در منطقه را افزایش می‌دهد. گسترش پیمان آبراهام در دستور کار قرار بگیرد. گسترش چنین چارچوب دیپلماتیکی موجب افزایش مشارکت امنیتی و منطقه‌ای اسرائیل با اعراب خواهد شد و نتیجه آن بازدارندگی و حتی شکست نایبان ایران خواهد شد.

برترین روزنامه‌ها

پردازشگر باشیم نه منفعل

صبح نو

مهدی فضائلی در سرمقاله دیروز صبح‌نو به مسئله سواد رسانه‌ای پرداخت و نوشت: سال‌هاست عنوان «سواد رسانه‌ای» بر سر زبان‌هاست و بر اهمیت آن تا این حد تأکید شده است که یونسکو در دهه دوم قرن ۲۱، آن را در کنار ۱۱سواد دیگر مانند سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد مالی و... به‌عنوان ملاک باسواد بودن دانست. به عبارت دیگر، افراد فاقد این سواد در دوران کنونی که عصر ارتباطات نامیده شده، جزو افراد کم‌سواد محسوب می‌شوند، حتی اگر دارای مدارج عالی علمی باشند!

در عین حال یکی از هزاران درس در سواد رسانه‌ای این است که مخاطب یا بهتر بگویم کاربر، به جای منفعل بودن در برابر رسانه تلاش کند فعال، انتخابگر و پردازشگر باشد. یکی از راه‌های فرار از انفعال در برابر رسانه‌ها، توجه مستمر به کلیدواژه «اهداف پنهان» است. انبوهی از محتواهای رسانه‌ای که پیوسته تولید می‌شوند دارای هدف یا اهداف پنهانی، در ورای ظاهر جذاب و واقع نمای خود هستند و تلاش برای کشف این هدف پنهانی، کمک می‌کند از مخاطب منفعل و تأثیرپذیر به مخاطب کنشگر و فعال تبدیل شویم. اهمیت این کنشگری در شرایط خاص و ملتهب، دوچندان است و باید بدانیم رسانه‌ها از چنین کاربرانی استقبال نمی‌کنند و مخاطب خوب از نظر آنها مخاطب منفعل و تأثیرپذیر است. پس از قبول این مقدمه، پرسشگری، گام مهم بعدی برای رهایی از دام انفعال و مقهور رسانه شدن است.

سؤالاتی مانند: ۱- آیا این پیام قصد پنهانی هم دارد؟ ۲- مبدأ پیام از کجاست؟ مالک رسانه چه کسی است؟ ۳- منبع پیام تا چه اندازه دارای اعتبار است؟ ۴- مبدأ پیام واقعاً چرا و تا چه اندازه علاقه‌مند به منافع و سرنوشت من است؟ ۵- منبع پیام از این پیام چه منافعی می‌تواند ببرد؟ ۶- مالک رسانه از کجا و چرا برای تولید و انتقال این محتوا هزینه می‌کند؟ از جمله سؤالاتی است که می‌تواند به مخاطب یا کاربر کمک کند تا گام نخست را برای خروج از انفعال بردارد و وارد وادی انتخاب و پردازش شود.

سانسور گریه‌های زلنسکی!

رسالت

روزنامه رسالت یادداشت خود را به سفر زلنسکی به امریکا اختصاص داد و نوشت: رئیس‌جمهور اوکراین در جریان سفر اخیر خود به امریکا، سعی کرد خود را به عنوان یک «قهرمان جنگ» نشان دهد! تصویرسازی رسانه‌های غربی از ولادیمیر زلنسکی نیز دقیقاً مطابق همین الگو بود! منظومه رسانه‌ای غرب تلاش کرد از ارسال سامانه موشکی پاتریوت توسط امریکا به اوکراین به مثابه یک دستاورد بسیار بزرگ و تعیین‌کننده در جنگ اوکراین یاد کند و متعاقباً پیام کاذب ادغام اوکراین در معادلات امنیتی- نظامی ناتو و امریکا را به افکار عمومی دنیا مخابره کند، اما در ماورای این تصویرسازی کاذب، واقعیات دیگری در جریان است که لرزه بر اندام رئیس‌جمهور اوکراین و غرب‌گرایان این کشور انداخته است!

زلنسکی فارغ از تعارفات رسانه‌ای و صحنه‌پردازی‌هایی که سیاستمداران امریکایی و شبکه رسانه‌ای وابسته به آنها در جریان سفر او به واشنگتن صورت دادند، مملو از بهت و نگرانی است. او نگران است که در یک حرکت سریع اما قابل پیش‌بینی، از سوی واشنگتن به عنوان یک «مهره سوخته» در نظام بین‌الملل نادیده گرفته شود یا قربانی منافع راهبردی (یا حتی تاکتیکی و کوتاه‌مدت) امریکا در آسیای مرکزی و اروپا شود.

زلنسکی در برابر دوربین‌ها خندید تا کسی اشک‌های پشت پرده و التماس‌های پنهانی وی به بایدن و سیاستمداران امریکایی را نبیند! مهره‌های غرب تاریخ‌مصرف معینی برای واشنگتن دارند و این قاعده شامل حال زلنسکی نیز می‌شود. زلنسکی این روزها باید در مقابل دوربین آنچه را که امریکا می‌خواهد تکرار کند: او جنگ را با اجازه امریکا شروع کرد و اکنون نیز تا زمانی که واشنگتن اجازه دهد، می‌تواند سخن از تمامیت ارضی کشورش و ایستادگی در جنگ بگوید! این انتخابی است که خود زلنسکی و غرب‌گرایان اوکراین صورت داده‌اند و قطعاً نمی‌توانند بابت این موضوع طلبکار دیگران باشند.

آفتاب فلسطین از مغرب طلوع می‌کند؟

وطن امروز

روزنامه وطن‌امروز یادداشت دیروز خود را به استقبال جهانی از فلسطین در مسابقات جهانی فوتبال در قطر اختصاص داد و نوشت: حقیقت این است که در روزهای برگزاری جام‌جهانی، موج حمایت از فلسطین در کوی و برزن دوحه به یک پدیده جدید تبدیل شد که حتی از جمع هواداران تیم‌های ملی مسلمان یا عربی فراتر رفته و بسیاری از هواداران تیم‌های اروپایی و لاتین و همچنین جمعیت ۲میلیون نفری شاغلان هندی، بنگالی، پاکی، نپالی و سیلانی قطر را هم با خود همراه کرد. با این حال هیچ کدام از ملت‌های حاضر در این ابررویداد ورزشی به اندازه مغربی‌ها پای آرمان فلسطین نایستادند و هیچ یک نیز به اندازه شیرهای اطلس عزم و توان خود را برای دستیابی به موفقیتی تاریخی در مستطیل سبز به عنوان محملی برای ارسال پیام‌شان به دنیا به کار نگرفتند.

حال به نظر می‌رسد جنبشی که شیرهای اطلس در جام‌جهانی با پرچم فلسطین برپا کرده‌اند، به داخل کشور رسیده باشد. تظاهرات‌های پراکنده که اغلب با حمایت حزب اسلام‌گرای مخالف «عدالت و ترقی» به ویژه از اواسط سال میلادی رو به پایان علیه دولت لیبرال آخانوش آغاز شده بود، حالا با انرژی اجتماعی تازه‌ای که از موفقیت‌های فوتبال ملی در جام‌جهانی به دست آمده، در حال تبدیل شدن به یک جنبش جدید ضدصهیونیستی و ضدغربی با ریشه‌های عمیق اجتماعی است که می‌تواند در ماه‌های آتی نه فقط دامن دولت لیبرال حاکم، بلکه حتی پادشاهی وابسته مراکش را هم بگیرد.

این همصدایی اتفاقی نیست

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشت دیروز خود با اشاره به اینکه امریکا و تروئیکای اروپا و نوچه‌های واشنگتن- بخوانید گاوهای شیرده- در منطقه، ناتوان از براندازی به دنبال بی‌ثبات‌سازی ایران از داخل با آشوب و اغتشاش و دوقطبی‌سازی هستند، نوشت: در «جنگ رسانه‌ای» که بخشی از «جنگ ترکیبی» علیه ملت ایران است، حساب دشمن مشخص است، اما یکی از واقعیت‌های بدیهی و انکارناشدنی در این جنگ، نقش عوامل داخلی و به عبارتی دنباله‌های دشمن در داخل است. رهبر معظم انقلاب (پنجم آذر ۱۴۰۱) در دیدار بسیجیان فرمودند: «اینجا آدم واقعاً متأسف می‌شود، یک عده‌ای ادعای فهم سیاسی هم می‌کنند، لکن تحلیل‌های‌شان در بعضی از روزنامه‌ها یا در بعضی از بخش‌های فضای مجازی واقعاً انسان را متأسف می‌کند. می‌گویند برای اینکه بتوانید این اغتشاش‌ها را که در این چند هفته راه انداخته‌اند در کشور، تمام کنید و ساکت کنید- حالا این را کسانی می‌گویند که مدعی سیاست‌ورزی و سیاست‌دانی و اطلاع از اوضاع جهانند!- باید مشکل‌تان را با امریکا حل کنید... یا می‌گویند باید صدای ملت را بشنوید. من این دو تعبیر را دیده‌ام در نوشته‌ها: با امریکا مشکل‌تان را حل کنید، صدای ملت را بشنوید.»

نویسنده اضافه کرده است: نکته قابل تأمل آنکه همصدایی و خطوط مشترک و به عبارتی فصل مشترک برخی در داخل- در پوشش روزنامه، سایت خبری، استاد دانشگاه، فعال سیاسی و...- با دشمن در جنگ ترکیبی اخیر، آن قدر متعدد و پرشمار است که به هیچ عنوان نمی‌توان این همصدایی را اتفاقی و تصادفی نامید.

گزیده خبر

محمد مرندی:

اگر ایران به دنبال سلاح هسته‌ای بود یک سال پیش ساخته بود

کارشناس و مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: اگر ایران به دنبال سلاح هسته‌ای بود، یک سال پیش ساخته بود.

به گزارش راه‌دانا، محمد مرندی، کارشناس و مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: اگر ایران به دنبال سلاح هسته‌ای بود، یک سال پیش ساخته بود. وی ادامه داد: در جریان مذاکرات هسته‌ای وین، رژیم‌های غربی مدام ادعا می‌کردند برنامه هسته‌ای ایران «به نقطه‌ای بدون بازگشت می‌رسد». ماه‌ها از مذاکرات گذشته و غرب ساکت است. چرا؟ دروغ می‌گفتند. در حالی که مذاکرات رفع تحریم‌های ایران و بازگشت امریکا به برجام چند ماه است به دلیل زیاده‌خواهی و رویکرد غیرواقع‌بینانه طرف امریکایی و کارشکنی‌های اروپایی‌ها متوقف شده است، مقامات ایران بارها اعلام کرده‌اند تهران آماده از سرگیری رایزنی‌ها و به نتیجه رساندن آن است. حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در توئیتی با اشاره به دیدار چند روز پیش خود با «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در اردن در حاشیه نشست بغداد ۲ نوشت: در دیدار با آقای بورل در مورد برداشتن گام‌های نهایی توافق، موافق بودیم. پنجره توافق از سوی ایران باز است اما نه برای همیشه.

مسئول اشراف دفتر فرماندهی کل سپاه:

ادعاها درباره ارسال سلاح ایرانی به روسیه ناشی از شکست دشمن است

دشمن برای توجیه شکست خود ایران را متهم به ارسال سلاح به روسیه می‌کند.

سردار محمد تولایی، مسئول اشراف فرماندهی کل سپاه در گفت‌وگو با آنا، درباره نقش سردار سلیمانی در تقویت جبهه مقاومت اظهار داشت: امروز جبهه مقاومت ۴۰عملیات در کرانه باختری انجام می‌دهد. حضور نیروهای سازشکار در کرانه باختری باعث شده بود آن منطقه جزو حیاط خلوت رژیم صهیونیستی باشد، اما اکنون اوضاع تغییر و جبهه مقاومت خیلی پیشرفت کرده است. سردار تولایی درباره ادعاهای غربی‌ها مبنی بر ارسال تسلیحات ایرانی به روسیه عنوان کرد: دشمن برای توجیه شکست خود ایران را متهم به ارسال سلاح به روسیه می‌کند. وی تأکید کرد: رژیم سعودی هم بعد از هشت سال که در جنگ یمن به جایی نرسیده است ایران را به حمایت تسلیحاتی از انصارالله متهم می‌کند که این ادعاها، نخ‌نما و دروغین است. ادعاهای دشمنان درباره ارسال موشک از سوی ایران دروغ است. مسئول اشراف فرماندهی کل سپاه یادآور شد: دشمن به توانمندی جمهوری اسلامی اقرار و توان انقلاب اسلامی را باور کرده است، اما با ادعاهای دروغین قصد دارد ایران اسلامی را در همه مباحث متهم کند. وی درباره سازوکار و اهمیت مسکونی‌سازی جزایر سه‌گانه افزود: امروز در جزایر ایرانی دانشگاه، فرمانداری و مراکز تجاری داریم و خیلی شرایط با گذشته فرق کرده است. مسئول اشراف دفتر فرماندهی کل سپاه گفت: ما مثل برخی حکومت‌های خودکامه نیستیم که به اجبار مردم را در منطقه‌ای مستقر کنیم. در جمهوری اسلامی به دلیل وجود مردم‌سالاری دینی، مردم در یک شیوه اقناعی می‌توانند برای انجام یک کار راغب باشند و به همین دلیل با ایجاد زیرساخت‌هایی که در جزایر ایجاد شده است، مردم خود برای استقرار در این جزایر رغبت می‌یابند.

یادداشت

چه کسی به فرخ‌نژاد گفت که از حرفش درباره عمرو عاص عذرخواهی کند؟!

گفت‌وگوی حمید فرخ‌نژاد، بازیگر فراری با رسانه سعودی ایران‌اینترنشنال ارزش سیاسی خاصی نداشت اما گویای یک نکته بسیار تلخ ولی مهم بود.

۱: پیش از این برخی کارکنان بی‌بی‌سی فارسی از هدف‌های تجزیه‌طلبانه ایران‌اینترنشنال سخن گفته بودند و در ظاهر تلاش کردند به نوعی ردپای خود را از این پروژه لو رفته و آشکارشده رسانه‌ای پاک کنند، اما اینکه مزدوران به ظاهر ایرانی اینترنشنال سعودی در ازای دریافت چند هزار دلار از شاهزاده‌های سعودی حاضر شده‌اند برای تجزیه ایران اقدامات همه‌جانبه رسانه‌ای و عملیاتی کنند، در طول عمر فعالیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز از سیاه‌ترین نقاط به شمار می‌رود.

۲: تلاش حکومت وهابی سعودی برای تجزیه ایران به عنوان مرکز نشر اسلام ناب و درست در نقطه مقابل اسلام وهابی ریشه در یک انگیزه اعتقادی قوی دارد، به همین دلیل هم مشاهده می‌شود که تمرکز این شبکه سعودی در برجسته‌سازی گروه‌های تندرو مذهبی سنی در ایران بسیار بیشتر از رسانه‌های دیگر است. این تمرکز به گونه‌ای است که سهم اپوزیسیون سنی جمهوری اسلامی در این شبکه به نسبت دیگر اپوزیسیون بالاتر از عرف معمول سال‌های گذشته در میان رسانه‌های ضدانقلاب بوده است؛ موضوعی که نه تنها نشانه اجرای یک مأموریت ویژه رسانه‌ای است بلکه نشان می‌دهد کارفرمایان سعودی گرایش‌های اعتقادی خود را نیز در حال پیاده‌سازی هستند.

۳: بخشی از گفت‌وگوی حمید فرخ‌نژاد بازیگر فراری با اینترنشنال سعودی نیات مذهبی گردانندگان پشت صحنه این رسانه را بیشتر برملا کرد. فرخ‌نژاد در بخشی از این گفت‌وگو به یکباره و بدون ضرورتی خاص از اینکه زمانی به عمرو عاص تعرضی کوچک داشته، عذرخواهی می‌کند! اینکه به او تأکید شده که درباره موضوعات بلوچستان ایران و حوادث آنجا در میانه گفت‌وگوی خود شبهه‌آفرینی کند تا شیب مهار التهابات در آنجا را به ظن خودشان کندتر کنند، چیز عجیبی نیست و بر اساس همان مأموریت‌های ویژه گفته شده ایران‌اینترنشنال درباره اهل سنت ایران است ولی عذرخواهی کردن به یکباره بابت یک تعرض تلویحی به عمرو عاص جای بسی تأمل دارد. برای کسانی که از میزان حساسیت ویژه وهابیت در عادی‌سازی و سفیدسازی برخی شخصیت‌های خاص صدر اسلام که در مخالفت و دشمنی با اهل بیت(ع) در تاریخ اسلام شهره شده‌اند، آگاهی دارند و از تلاش‌های سال‌های اخیر این جریان تندرو نیز برای تحمیل برخی اشخاص معلوم‌الحال به عنوان خطوط قرمز کاذب به جامعه اهل سنت که پیش از این چندان اهمیتی نداشته، آگاهی دارند؛ دیدن گنجانده‌شدن عذرخواهی یک سلبریتی بابت سخن گفتن درباره عمرو عاص در وسط یک گفت‌وگوی به ظاهر سیاسی و دور از مسائل مذهبی جای تعجب ندارد و نشانه ذهن مذهبی متعصب کارفرمای وهابی فعال در پشت صحنه است. شاید دور از ذهن هم نباشد که یکی از شرط‌های کارفرمای سعودی برای اجازه پخش گفت‌وگوی حمید فرخ‌نژاد از ایران اینترنشنال، اعلام برائت او از سخن گفتن درباره عمرو عاص قرار داده باشد.

۴: بی‌شک تخریب «ایران قوی» هدف مشترک محور وهابی، بهائی، عبری و غربی است ولی بازگو کردن این گزاره نیز بسیار مهم است که بخش مهمی از این تدارکات عظیم رسانه‌ای در واقع گرفتن انتقام از ملت ایران بابت اعتقادات دینی‌شان است و به علت سردست گرفتن پرچم اهل بیت پیامبر اسلام(ص) در جهان امروز است و چقدر خبیث هستند افرادی که در ظاهر داد مخالفت‌خواهی با جمهوری اسلامی می‌زنند ولی در باطن کمک‌حال وهابیت و یهود صهیونیست برای دشمنی بیشتر با اهل بیت پیامبر اسلام(ص) هستند، البته این نشانه اوج حقانیت و مشروعیت جمهوری اسلامی است که مخالفت و دشمنی با آن، به صورت همزمان مخالفت و دشمنی هم با اهل بیت(ع) و هم با ایران قوی است.

جهان‌نیوز- مهدی جهان‌تیغی